

تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان^۱

دکتر ملیحه شیانی*

طاهره داوودندی**

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۱۲

چکیده

شهروندی از مهمترین عرصه‌های سیاسی- اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون رواج داشته است. براساس موقعیت شهروندی، افراد دارای حقوق برابر هستند که این حقوق، با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال دولت و جامعه متوازن می‌شود.

۱- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد " بررسی عوامل موثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی " است.

* . استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران mshiani@ut.ac.ir

** . کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی t_davoodvandi@yahoo.com

این مقاله با استناد به داده‌های پژوهشی، به توصیف میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان و تحلیل عوامل موثر بر آن می‌پردازد. روش مطالعه پیمایش بوده که نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

براساس نتایج، میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان یکسان نبوده است. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد جنسیتی و نیز کمترین آن مربوط به بعد مدنی حقوق بوده است. همچنین بین میزان آگاهی‌های اجتماعی و نگرش‌های دانشجویان نسبت به موضوعات مختلف با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، دانشجویان، آگاهی‌های اجتماعی،

نگرش‌ها

مقدمه

شهروندی یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی- اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است. صاحب نظرانی که به قصد بررسی چگونگی تحول مفهوم شهروندی کتاب تاریخ را ورق زده‌اند، در یک نکته اتفاق نظر دارند، و آن اینکه شهروندی موقعیتی است که هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسند، و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره بانیات امور بر آن‌ها مبتنی است.

آشنایی با مفهوم شهروندی به خوبی نشان می‌دهد که این ایده در اصل به حقوق اقتصادی و سیاسی دسترسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آنها حرکت می‌کنند، فقط ارتقاء برابری را به منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند. (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۸) بنابراین شهروندی به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد. این

مفهوم ترجمان حقوق و آزادی‌های اساسی و عمومی جامعه بوده و اساسی‌ترین نیازهای هر ملت را در برمی‌گیرد. "حقوق شهروندی" در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و دربرگیرنده ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. بنابراین در یک برداشت شهروندی موقعیتی است که به موجب آن شهروند از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی برخوردار می‌شود. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و یکسان هستند و نظام سیاسی جامعه موظف به تثبیت و حمایت از این حقوق و تأمین برابر آن برای تمام شهروندان فارغ از تعلقات قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی و اقتصادی آنان است.

اگرچه در تعاریف مختلف مفهوم شهروندی، جنبه‌های حقوقی آن مورد تأکید قرار گرفته است، با این همه تجربه شهروندی تنها به پایگاه حقوقی فرد بستگی ندارد و علاوه بر حقوق، دربرگیرنده مجموعه‌ای از تعهدات و تکالیف است. اهمیت این مطلب از آن جهت است که طبق این تعریف مسئولیت شهروندی همان "خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است" (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸) بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند، از وظایف خود آگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. چراکه حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت داشته و در خلاء شکل نگرفته است. پس برای اینکه حقوق شهروندی موثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آنها را محترم شمارند.

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاستمداران زیادی را به خود جلب کرده است. جایگاه حقوق برای حل موفقیت آمیز مسائل مهم حکومتداری یعنی نیاز به توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی بوده و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است. چراکه رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آنها و نحوه ضمانت اجرایی آنهاست که خود عاملی مهم در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. براین اساس، آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت

آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود. بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آن‌ها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقاء آن نقش موثری دارد. بنابراین شهروندی بیش از آن که نیازمند بحث درباره شاخص‌ها و مولفه‌های حقوق و وظایف باشد، ضرورت بررسی پیرامون عوامل مؤثر بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی شان را بازتاب می‌دهد.

در اهمیت حقوق، نکته قابل توجه این است که در وضعیت فعلی جوامع، از یک طرف جهانی شدن و گسترش فرهنگ‌ها و از طرف دیگر تأثیرات پدیده‌های مدرن بر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی منجر به دگرگونی نقش‌ها و آگاهی بخش‌هایی از جامعه شده و همین امر زمینه تغییر نگرش‌ها، افزایش انتظارات و خواسته‌ها را بدنبال داشته است. چنانکه در کشورهای مختلف ادعاهای حقوقی جدید از سوی گروه‌ها و اقشار مختلف مطرح شده است. در این میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و مطالبات آنان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. دانشجویان قشر ممتاز هر جامعه هستند که بیشتر برگزیدگان و سرآمدان از میان آن‌ها برمی‌خیزند. این گروه، در شکل دهی به آگاهی مردم از حقوق شان نقش موثری داشته و از توانایی فراوانی در ایجاد تحرک و جریان سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردارند. در نتیجه به مثابه گروه مرجعی به شمار می‌روند که افراد نگرش‌ها و رفتارهایشان را از آنان اقتباس می‌کنند. در شرایط فعلی، دانشجویان از یک سو در معرض تغییرات پدید آمده در جهان و ایران مانند جهانی شدن، دسترسی به اطلاعات و فن آوری‌های نوین بوده و از طرف دیگر آموزه‌های متفاوتی را در عرصه آموزش‌های دانشگاهی دریافت می‌کنند. در همین راستا نظام آموزش عالی و محتوای برنامه‌های آموزشی آن سهم به‌سزایی در آگاهی و شکل دهی به نگرش‌های دانشجویان خواهد داشت.

به این ترتیب آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه ایران به ویژه در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جامعه‌ای که در آن ردپای شهروندی را می‌توان در

انقلاب مشروطه یافت، اما هنوز با مسائل جدی در آگاهی و عمل به شهروندی روبروست. بنابراین، پرسش آغازین پژوهش، میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و شناسایی عوامل موثر بر آن است.

مبانی نظری

شهروندی از مهم ترین مفاهیم اجتماعی است که درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی- اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته است. این مفهوم، در فرآیند تاریخی و به تبع تحولات پدید آمده در جوامع، دگرگون شده است. چنان که مکاتب و صاحب‌نظران مختلف، این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده و هریک بر بعد یا ابعادی از آن تأکید داشته‌اند.

در بررسی تحولات نظری مفهوم، به یک اعتبار می توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری خواهی را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۴). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد است، پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می‌رود و دولت نیز در این میان نقش بی طرف دارد. بنابراین شهروندی باید برمبنای حقوق باشد، اگرچه این امر به معنای فراموش کردن وظایف نیست بلکه نشان می‌دهد که حقوق بنیادی ترند. هابز از جمله متفکران لیبرال است که حقوق شهروندی را شامل حق طغیان، حق اعمال نظر، حق انتخاب وکیل و نماینده و حق آزادی بیان می‌داند و معتقد است مادامی که شهروندان از این حقوق برخوردار نشوند جامعه مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت. در حالیکه در مکتب جمهوری خواهی این تعهدات و وظایف هستند که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل^۱ و فعالیت^۲ تعریف می‌شود. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل

1 . practice
2 . activity

می‌دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

اولین تلاش منظم نظری در این سنت فکری مربوط به ارسطوست. به عقیده وی شهروندان کسانی هستند که به طور چرخشی در زندگی مدنی و شهری در حکم راندن سهم می‌باشند. در این نظام حکومتی شهروندان قادر به آگاه شدن از ویژگی‌های یکدیگرند. نکته قابل توجه در بحث ارسطو این است که شهروند صاحب حقوق، حق دارد که برای کسب حاکمیت تلاش کند و بپذیرد که دیگران نیز صاحب حق هستند که برای تصرف و حاکمیت و جانشینی او بکوشند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

در دیدگاه جامعه شناسان نیز افرادی مانند افرادی چون مارشال، ژانوسکی، مارکس، پارسونز، هابرماس، ترنر، و... در زمینه شهروندی نظریه پردازی کرده‌اند.

به زعم مارشال، شهروندی "موقعیتی" است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آن‌ها، با یکدیگر برابرند. هیچ اصل فراشمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیستند، اما جوامعی که در آن‌ها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد. (Marshall, 1964: 17) به عقیده مارشال شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. "حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به ویژه به وسیله دولت است" (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۲۸). حقوق سیاسی به معنای برخورداری همه افراد از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های مختلف جامعه است. حقوق اجتماعی هم طیف وسیعی از انواع حقوق مانند: حق برخورداری از کمترین میزان رفاه و امنیت و زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه‌های موجود متمدن را شامل می‌شود. (marshall, 1964: 19-21)

ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت-ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون

مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی اند. وی به طور کلی چهارنوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند. (Janoski, 1998: 28)

در حالیکه وبر در تعریف خود از شهروندی بیشتر به حقوق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و حق انتخاب نمایندگان توجه داشت، برداشت مارکسیستی از حقوق بر پایه جمع‌گرایی استوار بوده است. مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و روبنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه داشته است. به عقیده وی مجموعه این روابط پایه واقعی بنای حقوقی و سیاسی را می‌سازند و با صورت‌های معینی از آگاهی همراه‌اند. در نظام سرمایه داری نابرابری‌های وسیع طبقاتی وجود دارد و جایی برای شهروندی و مشارکت افراد نیست، پس شهروندان دارای حقوق برابر نیستند (Marx, 1967: 29).

در همین راستا دارندروف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، چراکه اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (Dahrendrof, 1994: 14-18).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از "حقوق شهروندی" ندارند. (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱) یک شهروندی کامل به دور از

هرگونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است.

هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (Habermas, 1994: 345-350).

به عقیده ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارتند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. این موارد به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت در دولت - ملت مربوط می‌شود. بنابراین در تأکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی،

شهروندی عاملی فعال است. بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق و وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷).

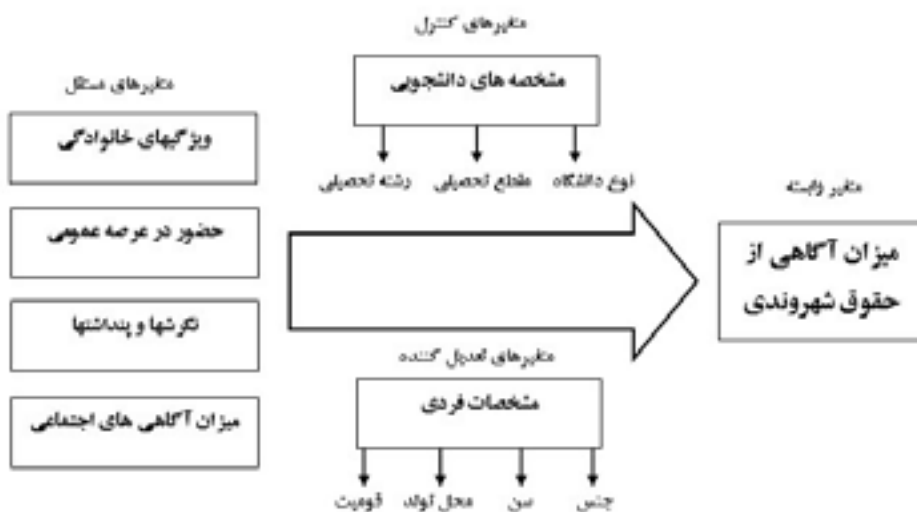
در انتقاد به دنیای مدرن، پست مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را درباره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند. چنان که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده و محدودیت در زمینه دولت-ملت، همه شمولی و مساوات طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می‌شود که برای دست یابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالکس، از جمله پست مدرن‌هاست که در شهروندی پسامدرن خود به دفاع از لیبرالیسم می‌پردازد. به عقیده وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگرانی که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

فمینیست‌ها نیز عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱). بنابراین زنان برای اینکه به مثابه شهروندانی عامل زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمام عرصه‌های (خصوصی - عمومی) زندگی کنند.

یانگ، از دیگر متفکران پست مدرن با گسست از سنت لیبرال معتقد است که ادعای لیبرال‌ها درباره حقوق شهروندی به سرکوب اقلیت‌ها و نفی تفاوت‌ها منجر می‌شود. وی با

تأکید بر حقوق گروهی، شهروندی را نوعی قرارداد اجتماعی می‌داند که هدف اصلی آن ارتقاء امنیت و رفاه در جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. (Merrifield, 1997 به نقل از فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱) در راستای تأکید بر حقوق گروهی، کیملیکا در پی احیای نوعی نظریه لیبرالی است که حقوق اقلیت‌ها را محترم بشمارد. بنابر نظریه وی، به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی از طریق اعطای حقوق شهروندی چند قومی متمایز، به یکپارچگی کامل کمک می‌کند (نش، ۱۳۸۴: ۲۲۲). پس هر دو متفکر معتقدند که شهروندی باید در گروه‌های اجتماعی ریشه داشته باشد و نمی‌تواند یک موقعیت کاملاً فردی باشد.

به طور کلی و با توجه به نظریاتی که در مبانی نظری مطرح شد، تقریباً تمام گفتمان‌ها و نظریه‌ها برخی از مضامین مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. به بیان دیگر هر یک شهروندی را از دیدگاه‌های متفاوت تعریف کرده و عوامل مختلفی را بر آن موثر دانسته‌اند. پس براساس چارچوب مفهومی شکل گرفته از نظریات مطرح شده که دارای رویکرد تلفیقی است، مدل نظری زیر شکل گرفته و فرضیات استخراج شده‌اند.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

روش شناسی

در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای مطالعه نظریه‌ها و تجارب تحقیقاتی به منابع و اسناد مراجعه شده و برای گردآوری اطلاعات از روش پیمایش بهره‌گیری شده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۸ بوده‌اند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و شیوه سهمیه‌ای، نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در پژوهش حاضر برای محاسبه اعتبار ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری استفاده شده است. به این ترتیب که نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در این حوزه پرسیده شد و در مرحله بعد، پس از تعیین صحت و سقم عبارات، مقیاس‌ها و پرسش‌ها به صورت پرسشنامه‌ای تنظیم و مورد پیش‌آزمون^۱ قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت ($\alpha = 0/5$).

اصلی‌ترین متغیر مورد بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده که از عناصر مفهومی چندگانه تشکیل شده است. "آگاهی"^۲ در یک برداشت عبارت است از: وارد شدن وجود یا واقعیت پدیده‌ها به ذهن یا به عبارت دیگر قرارگرفتن پدیده در وضع یا موقعیتی در چارچوب ادراک ما، دریچه این ورود و قرارگرفتن‌ها در ذهن، حواس ظاهر ما می‌باشند. یعنی آگاهی و ادراک هنگامی حاصل می‌شود که ما از طریق حواس پنج‌گانه به وجود شی، حالت یا وضعیت خاص پی ببریم. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۸)

در برداشت دیگر، آگاهی^۳ به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد. (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳۱)

-
۱. Pre test
 ۲. consciousness
 ۳. awareness

حقوق شهروندی نیز به معنای مجموعه‌ای از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی، و جنسیتی است که شهروند از آن برخوردار می‌شود. از این رو طبق تعاریف بالا، منظور از میزان آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی را می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر با واقعیت تطابق دارد.

در پژوهش حاضر، متغیر آگاهی از حقوق شهروندی، در قالب مولفه‌های حقوق مدنی مانند برابری همه افراد در برابر قانون، حقوق سیاسی مانند برخورداری از حق رأی مساوی، حقوق اجتماعی مانند لحاظ کردن مصالح و منافع همه اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی در تصویب قوانین، حقوق فرهنگی مانند احترام به تنوع فرهنگی شهروندان و حقوق جنسیتی مانند حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد مختلف مورد سنجش قرار گرفته است.

توصیف و تبیین یافته‌ها

توصیف خصوصیات جمعیت نمونه برحسب **مشخصات فردی** نشان داد که از مجموع دانشجویان ۷۱/۳ درصد را زنان و ۲۸/۷ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. بنابراین نسبت حضور دانشجویان زن به دانشجویان مرد تقریباً ۳ به ۱ بوده است. همچنین اکثر دانشجویان بومی تهران بوده‌اند و به لحاظ قومیت فارس و سپس ترک بوده‌اند. همچنین ۶۰ درصد پاسخگویان را دانشجویان کارشناسی و ۴۰ درصد آنان را دانشجویان کارشناسی ارشد تشکیل داده‌اند.

نگرش‌ها و پنداشت‌های دانشجویان حاکی از آن است که بیشتر دانشجویان نگرش منفی نسبت به دخالت دولت داشته‌اند. در رابطه با پنداشت از وضعیت جامعه در آینده نیز بیشترین فراوانی از آن دانشجویانی است که وضعیت آینده جامعه را بدتر تصور کرده‌اند. نکته قابل توجه ارزیابی منفی از وضعیت جامعه در آینده است.

در رابطه با متغیر نگرش به مشارکت، بیشتر دانشجویان دارای نگرشی بینابین و سپس مثبت به مشارکت بوده‌اند. در رابطه با میزان قوم گرایی نیز باید گفت بیشتر دانشجویان به میزان زیاد قوم گرا بوده‌اند در حالیکه میزان ملی گرایی در میان آنان مثبت بوده و بیشترین فراوانی از آن دانشجویانی است که احساس تعلق زیاد به کشور داشته‌اند. از این رو می‌توان گفت که دانشجویان در بیان هویت خود به ویژه در برابر غیرایرانیان بر هویت ملی تأکید داشته در حالی که به شدت به منافع و اولویت‌های قومی پایبند هستند.

میزان پیگیری اخبار و وقایع سیاسی - اجتماعی مربوط به جامعه در میان بیشتر دانشجویان بالاست. در این میان میزان استفاده از تلویزیون و اینترنت بیشتر بوده است. همچنین میزان آگاهی پاسخگویان از حقوق دانشجویی در حد متوسط و کم بوده است. ارزیابی ابعاد مختلف حقوق دانشجویی نشان می‌دهد که بیشترین میزان آگاهی مربوط به آگاهی از شرکت در فعالیتهای علمی و پژوهشی و کمترین میزان آگاهی مربوط به برگزاری تجمع و تریبون آزاد بوده است. همچنین میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان بیشتر دانشجویان زیاد بوده است. در بعد مولفه‌های آگاهی از وظایف، ضرورت آگاهی از اخبار و مسائل جامعه، بالاترین درصد و پیگیری قانونی امور، کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

حضور در عرصه‌های عمومی با شاخص‌های متعددی مورد سنجش قرار گرفته که نشان دهنده مشارکت دانشجویان است. چنان که نتایج مربوط به میزان عضویت در میان دانشجویان نشان می‌دهد که میزان عضویت پاسخگویان در تشکلهای و نهادهای مدنی در سطح پایینی است. به طوری که ۸۳/۲ دانشجویان در هیچ تشکلی یا نهادی عضویت نداشته‌اند. در میان سایر دانشجویان نیز، بیشترین میزان عضویت مربوط به تشکل بسیج و کمترین میزان عضویت مربوط به تشکل انجمن اسلامی بوده است. همچنین ۸۲/۸ درصد دانشجویان با هیچ یک از تشکلهای و نهادهای مدنی همکاری نداشته‌اند و در میان سایرین (۱۷/۲ درصد)، بیشترین میزان همکاری مربوط به گروه‌ها و هیأت‌های مذهبی و کمترین میزان همکاری مربوط به انجمن اسلامی بوده است.

باید اشاره کرد که در رابطه با میزان آگاهی از حقوق شهروندی نیز از گویه‌های گوناگون مربوط به هر یک از ابعاد مختلف حقوق شهروندی استفاده شده است که نتایج حاصل از هر یک از ابعاد در جدول ۱ دیده می‌شود.

بر اساس جدول ۱، در میان گویه‌های گوناگون مربوط به حقوق مدنی، بیشترین میزان آگاهی (۹۳/۴ درصد) در رابطه با تساوی همه افراد صرف نظر از جنسیت، قومیت و مذهب در برابر قانون بوده و کمترین میزان آگاهی (۴۲/۶ درصد) مربوط به آزادی بیان، عقیده و تشکیل انجمن بوده است.

در رابطه با میزان آگاهی از حقوق سیاسی، بیشترین میزان آگاهی (۸۱/۳ درصد) را امکان شرکت در راهپیمایی‌ها و تجمعات اعتراضی به خود اختصاص داده، در حالی که کمترین میزان آگاهی از حقوق سیاسی (۴۳/۷ درصد) مربوط به ضرورت دسترسی به اطلاعات مفید و ضروری برای همه افراد بوده است.

تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ... / ۴۹

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان آگاهی از عناصر تشکیل دهنده حقوق شهروندی

ابعاد حقوق شهروندی	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
تساوی در برابر قانون	۱	۱/۳	۴/۳	۱۷/۷	۷۵/۷
عدم امکان انتقاد از دولت	۴۴/۳	۲۹/۳	۱۷/۷	۸	۰/۷
برخورداری از حقوق مساوی برای همه افراد	۲	۲/۷	۳/۳	۱۸	۷۳/۷
برخورداری از حق رأی برای همه افراد	۱/۳	۵/۴	۱۳/۱	۲۰/۹	۵۹/۳
برخورداری از امکانات متعدد برای همه افراد	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱۵	۸۰
عدم امکان شرکت در راهپیمایی‌ها	۵۴/۲	۲۷/۱	۱۰/۴	۶/۷	۱/۷
برخورداری مسلمانان از حقوق بیشتر	۳۳/۷	۲۹	۱۶/۷	۱۰/۷	۱۰
برخورداری برخی از اقوام از امتیازات بیشتر	۴۱	۲۶/۳	۱۹	۱۰/۳	۳/۳
عدم تنوع نشریات در جامعه	۵۵/۹	۳۲/۸	۶	۹/۶	۴/۱
انعکاس نظرات مردم در رسانه‌های جمعی	۳۲/۵	۳۳/۹	۱۹/۹	۴	۱/۳
آزادی برپایی مراسم مذهبی برای پیروان ادیان مختلف	۳	۲/۴	۱۳/۸	۲۹	۵۱/۹
برخورداری از فرصت‌های یکسان برای همه افراد	۱/۳	۱/۳	۷/۳	۲۱/۱	۷۲/۶
لحاظ کردن منافع همه اقشار در تصویب قوانین	۷	۲/۷	۹	۲۸/۸	۵۸/۹
انتشار کتاب و نشریات به زبان مادری برای قومیتها	۱	۲/۴	۱۳/۵	۳۴/۱	۴۹
حق رأی نداشتن زنان	۸۲/۷	۹/۳	۳/۳	۱/۷	۳

۴۱/۸	۲۲/۷	۲۳/۱	۷/۷	۴/۷	شرکت در تجمعهای اعتراضی
۸۴/۳	۱۰/۳	۱	۱/۷	۲/۷	برخورداری از امنیت کامل برای همه افراد
۳	۳	۸۷	۱۸/۵	۶۶/۸	محدودشدن زنان به انجام امور منزل
۲/۳	۱۱/۴	۲۶/۸	۱۹/۵	۳۹/۹	برخورداری برخی افراد از امتیازات ویژه
۸/۹	۱۵/۸	۲۳/۴	۲۳	۲۸/۹	بی احترامی به شأن و منزلت افراد
۴۶/۷	۲۸	۱۶	۶۳	۳	امکان مشارکت همه افراد
۱۳/۷	۱۶/۷	۲۷	۲۳/۷	۱۹	تکلم افراد به یک زبان
۳۲/۶	۲۶/۲	۱۹/۵	۱۳/۱	۸۷	تأمین تحصیلات رایگان تا پایان متوسطه برای همه
۳۰/۱	۲۰/۶	۱۳/۵	۱۹/۹	۱۵/۹	دسترسی به امکانات مختلف رفاهی برای همه افراد
۳۲	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۴/۱	۲۰/۲	عدالت هنگام اجرای قانون برای همه افراد
۳۰/۸	۱۹	۱۶/۹	۱۵/۹	۱۷/۳	احترام به آبرو و حیثیت افراد
۳۰/۸	۱۹/۷	۱۵/۹	۱۲/۲	۱۲/۴	ممنوعیت فاش کردن مکالمات تلفنی
۲۸/۹	۱۷/۲	۱۴/۸	۱۶/۲	۲۳	محو هرگونه استبداد و خودکامگی
۲۷/۶	۱۵	۲۰/۷	۱۱/۲	۲۵/۵	آزادی عقیده، بیان و تشکیل انجمن
۲۴/۳	۲۰/۶	۱۳/۵	۱۴/۲	۲۷/۴	توجه به اعتراضات و خواسته‌های قانونی
۲۶/۸	۱۶/۹	۲۰/۳	۱۶/۳	۱۹/۷	ضرورت دسترسی به اطلاعات مفید برای همه
۳۰/۴	۲۱/۳	۱۳/۹	۱۵/۵	۱۸/۹	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه

بر اساس یافته‌ها، نتایج مربوط به میزان آگاهی از حقوق اجتماعی حاکی از آن است که برخورداری همه افراد جامعه از فرصت‌های یکسان برای رشد و پیشرفت بیشترین درصد میزان آگاهی (۹۳/۷ درصد) را به خود اختصاص داده است. درحالی‌که برخورداری از امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی، بیمه و مسکن کمترین درصد میزان آگاهی (۵۰/۷ درصد) را در میان دانشجویان داشته است.

همچنین نتایج مربوط به حقوق جنسیتی نشان می‌دهد که ۹۲ درصد دانشجویان مخالف با این امر بوده‌اند که زنان به دلیل احساساتی بودن، نباید از حق رأی برخوردار باشند. درمورد حقوق فرهنگی هم باید گفت ۸۳/۱ درصد دانشجویان با حق انتشار کتاب و نشریات به زبان مادری قومیت‌ها موافق بوده‌اند. همچنین ۴۲/۷ درصد دانشجویان با تکلم همه افراد به یک زبان واحد مخالف بوده‌اند، که کمترین میزان آگاهی از حقوق فرهنگی مربوط به این بُعد بوده است.

برای سنجش میزان آگاهی از تمام ابعاد حقوق شهروندی، مجموع نمرات به دست آمده از هر یک از گویه‌ها را مطابق با فرمول‌های آماری محاسبه و براساس دامنه نمرات کمترین و بیشترین و شاخص‌های مرکزی، به ویژه میانگین به سطوح پایین، متوسط و بالا دسته‌بندی نموده ایم.

بر این اساس میزان آگاهی بیشتر دانشجویان (۵۶/۴ درصد) در حد متوسط برآورد شده است. همچنین ۲۲/۵ درصد از دانشجویان آگاهی کم و ۲۱/۱ درصد از آنان آگاهی زیاد از حقوق شهروندی داشته‌اند. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد جنسیتی و کمترین میزان آگاهی مربوط به بعد مدنی حقوق شهروندی بوده است.

به منظور سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی از جداول متقاطع و آزمون‌های آماری استفاده شده است. بر اساس یافته‌ها، درصد دانشجویان با

آگاهی زیاد که وضعیت آینده جامعه را بد تصور کرده‌اند (۱۱/۳٪) بیشتر از درصد دانشجویان با آگاهی کم و با همین پیش بینی (۳/۹٪) است. بنابراین دانشجویان دارای آگاهی زیاد نسبت به آینده جامعه بدبین تر هستند. همچنین بیشتر دانشجویان نگرش منفی به دخالت دولت داشته‌اند و این نوع نگرش بر افزایش میزان آگاهی آنان ($\text{sig} = ۰/۰۲۸$) تأثیر مثبت داشته است.

نگرش به مشارکت، متغیری مهم و اساسی در افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده است. چنان که دانشجویانی که نگرش مثبت تری به مشارکت داشته‌اند، آگاهی بیشتری از حقوق خود ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) داشتند. بر اساس یافته‌ها، افزایش میزان فعال گرایی ($\text{sig} = ۰/۰۰۱$)، و میزان ملی گرایی ($\text{sig} = ۰/۰۰۵$) بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌افزاید.

به استناد یافته‌های پژوهش، با افزایش میزان پیگیری اخبار و وقایع سیاسی جامعه ($\text{sig} = ۰/۰۰۱$)، آگاهی از حقوق دانشجویی ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$)، آگاهی از وظایف شهروندی ($\text{sig} = ۰/۰۰۱$) و میزان آگاهی از حقوق شهروندی افزایش می‌یابد.

جدول ۲- نتایج تحلیل چندمتغیری میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان

خطای معیار تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین R^2	میزان همبستگی R	متغیر
۱۳/۸۹۱۸۷	۰/۱۵۷	۰/۱۸۲	۰/۴۲۶(a)	میزان آگاهی از حقوق شهروندی

تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ... / ۵۳

جدول ۳- نتایج رگرسیون خطی ساده جهت بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان

سطح معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		رگرسیون خطی ساده
		ضریب Beta	خطای معیار	ضریب B	
۰/۰۰۰	۱۲/۵۹۴		۷/۸۲۰	۹۷/۴۷۷	عرض از مبدأ (مقدار ثابت)
۰/۰۱۶	-۲/۴۲۰	-۰/۱۳۹	۱/۷۳۴	-۴/۱۹۷	دانشگاه محل تحصیل
۰/۱۰۲	۱/۶۳۹	۰/۰۹۵	۰/۹۲۲	۱/۵۱۱	پیگیری اخبار و وقایع میزان سیاسی-اجتماعی
۰/۰۰۶	-۲/۷۸۵	-۰/۱۵۶	۰/۶۴۷	-۱/۸۰۲	نگرش به دخالت دولت
۰/۶۳۷	-۰/۴۷۳	-۰/۰۳۰	۰/۸۹۱	-۰/۴۲۱	میزان ملی گرایی
۰/۰۰۰	۴/۲۸۷	۰/۲۴۰	۰/۱۰۹	۰/۴۶۸	آگاهی از حقوق دانشجویی میزان
۰/۰۲۴	۲/۲۶۹	۰/۱۵۷	۰/۳۵۶	۰/۸۰۸	نگرش به مشارکت
۰/۶۰۸	۰/۵۱۳	۰/۰۳۶	۰/۳۳۲	۰/۱۷۱	آگاهی از وظایف شهروندی میزان
۰/۴۱۵	۰/۸۱۶	۰/۰۵۸	۰/۶۸۳	۰/۵۵۸	میزان فعال گرایی

۹۷/۴۸+ نگرش به دخالت دولت ۰/۱۵- نگرش به مشارکت ۰/۱۶+ میزان آگاهی از حقوق دانشجویی
 ۰/۲۴=میزان آگاهی از حقوق شهروندی



شکل ۲- مدل تحلیل مسیر

در مورد تفاوت در میزان آگاهی دانشجویان از ابعاد مختلف حقوق شهروندی، نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان می‌دهد که بیشترین میزان آگاهی مربوط به حقوق جنسیتی و کمترین میزان آگاهی مربوط به حقوق مدنی بوده است. ($\text{sig} = 0/001$) با توجه به سطح معناداری آزمون فریدمن، فرضیه مذکور با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد.

نتایج حاصل از تحلیل چند متغیری میزان آگاهی از حقوق شهروندی، نشان می‌دهد که از بین تمام متغیرهای مستقل که رابطه شان با میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأیید شده بود، متغیرهای نگرش به دخالت دولت، میزان آگاهی از حقوق دانشجویی و نگرش به مشارکت با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه ای معنادار داشته‌اند.

با توجه به نتایج بدست آمده مندرج در جدول ۳ و معادله رگرسیونی بالا، بیشترین سهم از آن میزان آگاهی از حقوق دانشجویی با ضریب بتای ۰/۲۴ است و کمترین سهم از آن نگرش به

دخالت دولت، با بتای ۰/۱۵- است. نگرش به مشارکت نیز با بتای ۰/۱۶ تأثیر خود را بر متغیر وابسته نشان داده است. همچنین R^2 حاکی از آن است که ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان با متغیرهای باقی مانده در مدل تبیین کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

معنا و مفهوم شهروندی طی ادوار مختلف بر حسب فلسفه سیاسی موجود و نیاز طبقات مردم دستخوش تغییراتی شده است. شهروندی در دوره باستان ناظر بر به رسمیت شناختن حقوق مسلم برخی گروه‌های اجتماعی در برابر حکومت بوده، ولی در دوران جدید به فرآیندی برابر طلبانه و آزادی خواهانه تبدیل شده است (موسوی، ۱۳۸۱: ۵۳). نکته مشترک در این میان این است که در همه ادوار حقوق و وظایف از عناصر اصلی تشکیل دهنده شهروندی بوده‌اند که دارای جذابیتی عام هم بوده‌اند.

هر جامعه‌ای با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندانی آگاه دارد تا بتوانند در قالب حقوق و وظایف تعیین شده، در چارچوب فضای سیاسی- اجتماعی فعالیت کنند. دستیابی به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه سازی شهروندان است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حیاتی به شمار می‌رود.

نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه از آگاهی متوسط و رو به پایین نسبت به حقوق شهروندی خود برخوردارند. این در حالی است که نهاد تعلیم و تربیت نقش بسیار مهمی را در افزایش آگاهی افراد از حقوق شهروندی بر عهده دارد. نهادی که از یک طرف افراد را آموزش می‌دهد و آنان را با حقوق و مسئولیت‌ها آشنا می‌کند و از طرف دیگر شیوه‌های تأمین این حقوق و مسئولیت‌ها را آموزش می‌دهد.

ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی یعنی متناسب سازی منابع، امکانات و خدمات دولت‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که تحقق این مهم

خود فرآیندی طولانی مدت به شمار می‌رود. در یک جمع بندی کلی باید گفت که برای افزایش میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی باید برنامه ریزی صحیحی را در این راستا تدارک دید. در ابتدا لازم است که فرهنگ عمومی به سمت وارد کردن معیارهای حقوق شهروندی در نظام هنجاری جامعه حرکت کند. اینکار باید از بدو ورود افراد به نظام آموزشی صورت گیرد. پیاده سازی حقوق شهروندی و آگاه سازی عمومی در این حوزه می‌تواند کشورها را در روند توسعه یافتگی بسیار همراهی کند.

با توجه به پیش بینی حقوق شهروندی در قانون اساسی کشور و اهمیت عنصر آگاهی نسبت به حقوق و تعهدات شهروندی، تحلیل محتوای قوانین و مقررات سازمان‌های دیگر، مطالعه و بررسی میزان آگاهی عامه مردم از حقوق و وظایف شهروندی و برنامه ریزی جامع برای نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های مختلف جامعه می‌تواند سر لوحه سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها قرار گیرد.

به منظور افزایش میزان آگاهی دانشجویان برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند موثر باشد. از آنجا که که بیشترین تأثیر از آن نگرش‌ها و آگاهی‌های اجتماعی بوده، از این رو طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای تقویت نگرش دانشجویان به مشارکت، ارزش‌های دموکراتیک و میزان قوم گرایی راهگشاست. ایجاد نگرش مناسب برای دانشجویان از طریق تحقق وعده‌های مربوط به مشارکت و ترغیب آنان به عنوان نسل جوان و فعال جامعه به افزایش میزان مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و به تبع آن افزایش آگاهی جوانان می‌شود. به علاوه طراحی و اجرای برنامه‌های مشارکتی به منظور مشارکت بیشتر دانشجویان در فعالیت‌های مختلف خصوصاً در دانشگاه می‌تواند در این راستا موثر باشد. از طرف دیگر افزایش میزان آگاهی‌های اجتماعی به خصوص از طریق ایجاد انگیزه در میان دانشجویان برای افزایش میزان پیگیری اخبار و وقایع سیاسی-اجتماعی جامعه خود نقش موثری را در افزایش میزان آگاهی آنان ایفا می‌کند. همچنین از آنجا که آگاهی از حقوق دانشجویی دارای تأثیر زیاد بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی است بهتر است در هنگام ثبت نام دانشجویان

جدیدالورود بروشورهای تهیه و در دسترس آنان قرار گیرد و حقوق دانشجویی آنها برشمرده شود. در زمینه آگاهی از وظایف شهروندی نیز که موثر بر افزایش آگاهی از حقوق بوده است، طراحی و توزیع بروشورهای تبلیغاتی در میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان می‌تواند نقش موثری را ایفا کند. بنابراین بهترین راهکارها برای افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی چه در میان دانشجویان و چه در میان سایر اقشار، فرهنگ سازی، اطلاع رسانی همگانی شامل آموزش و ترویج حقوق شهروندی، افزایش زمینه‌های لازم برای مشارکت افراد در جامعه و در سطح کلان تلاش در جهت تصویب قوانین در حوزه مدیریت شهری با توجه به مفهوم حقوقی شهروند است.

منابع

- آقابخشی، علی. (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۰)، انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱)، هویت شهروندی، اندیشه و پژوهش، سال پنجم، شماره ۵۱.
- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۷)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، کتاب اول.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، شهروندی و رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول شماره ۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، تحلیل جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳.

- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق و تأمین اجتماعی، سال اول، شماره یک.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، شهروندی، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فتحی واجارگاه، کوروش و واجاری، طلعت دیبا. (۱۳۸۱)، تربیت شهروندی، تهران: نشر فاخر، چاپ اول.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر. (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، مترجم: فرامرز تقی لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۸۱)، "محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ی حقوق شهروندی در ایران"، در چکیده مقالات توسعه حقوق شهروندی در ایران، اصفهان: نشر مجبان.
- نش، کیت. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- نوروزی، کامبیز. (۱۳۸۵)، حق شهروندی، مسئولیت مشترک دولت - ملت، نشریه نامه، شماره ۵۳.

- Dahrendrof, R (1994). " *Citizenship and Beyond: Beyond: The social Dynamics of an Idea*", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) *Citizenship Critical Consept*, London :Routledge

- Janoski, T (1998)., *citizenship and civil society*, Cambridge universitypress

- Habermas, J (1992). **Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe** , in B.S Turner and P.Hamilton, and , Citizenship Critical Consept , London: Routledge
- Marshall, T.H. (1994). *citizenship and social class in B.S.turner & Hamilton, citizenship*: critical consept. London: Roul ledge
- Marx,k. (1967). *on the jewish question in k.marx early political writings*. cambridge:cambridge university press.
- Turner,B.S (2000). *Islam. Civil society & citizenship : Reflections on the Sociology of citizenship & Islamic Studies*. inA.n , butenschon et al, ed. Citizenship & the State in middle East, Syracuse. University press.